



نویسنده:
آرن استیبی

سرپرست گروه مترجمان:
دکتر فردوس آقاگل‌زاده

(عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس)



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



استیب، آرن Stibbe, Arran
زبان‌شناسی زیست محیطی: زبان، محیط زیست و داستان‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم / نویسنده آرن
استیبی؛ ترجمه گروه مترجمان زیر نظر دکتر فردوس آقاگل‌زاده.
تهران: نشر نویسه پاریسی، ۱۳۹۵.
۲۹۹ ص.: مصور، جدول، نمودار.
۵- ۲۹- ۷۰۳۰- ۶۰۰- ۹۷۸

فیبا
کتابنامه

عنوان اصلی: Ecolinguistics : language, ecology and the stories we live by.
زبان، محیط زیست و داستان‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم.
زبان‌شناسی زیست محیطی

Ecolinguistics

آقاگل‌زاده، فردوس، ۱۳۳۵ - ، ناظر.

۱۳۹۵ ۵۲ الف/ ۳۹۵/۵ P

۳۰۶/۴۴

۴۲۲۹۱۵۸

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

یادداشت

عنوان دیگر

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی



زبان‌شناسی زیست محیطی

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Ecolinguistics:

Language, Ecology and the Stories We Live By

Arran Stibbe

©2015 - Routledge

نویسنده: آرن استیبی Arran Stibbe

ترجمه: گروه مترجمان زیر نظر دکتر فردوس آقاگل‌زاده

طراح جلد، گرافیک، صفحه‌آرایی و ناظر فنی چاپ: محمد محرابی

www.mehraabi.com / 091251693545

ناشر: نشر نویسه پارسی

دفتر انتشارات: ۰۲۱-۷۷۰۵۳۲۴۶

فروشگاه: ۰۲۱-۶۶۹۵۷۱۳۲

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۴۵۵۴۵۵۴۱۴۲

وبگاه: www.neveeseh.com

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۳۰-۲۵-۷

چاپ و صحافی: روز

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان



**Paper from
responsible sources**

کاغذ این کتاب از منابع مسوول در
قبال محیط زیست تهیه شده است.

۷	پیشگفتار
۹	فصل ۱. مقدمه
۱۳	داستان‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم
۱۹	«محیط زیست» در زبان‌شناسی زیست‌محیطی
۲۲	«زبان‌شناسی» در زبان‌شناسی زیست‌محیطی
۲۵	فلسفه زیست‌محیطی
۲۹	فلسفه زیست‌محیطی در این کتاب
۳۲	ساختار این کتاب
۴۳	فصل ۲. ایدئولوژی و گفتمان
۴۶	گفتمان‌های مخرب
۵۲	گفتمان‌های دوپهلو
۵۴	گفتمان‌های مفید
۵۸	روش‌ها
۶۰	گفتمان اقتصاد نئوکلاسیک
۷۷	فصل ۳. قالب‌ها و قالب‌سازی
۸۷	قالب‌سازی توسعه
۱۰۱	فصل ۴. استعاره‌ها
۱۱۷	استعاره «شرکت یک شخص است»
۱۲۹	فصل ۵. ارزیابی‌ها و الگوهای ارزشی
۱۴۳	ارزیابی و آب و هوا
۱۵۵	فصل ۶. هویت‌ها
۱۷۲	هویت، جنسیت و بدن در مجله سلامت مردان
۱۸۵	فصل ۷. باورها و الگوهای واقع‌بودگی
۲۰۰	واقع‌بودگی در ضدجنبش تغییرات اقلیمی
۲۱۳	فصل ۸. محوسازی
۲۲۶	محوسازی در زبان ارزیابی اکوسیستم
۲۳۵	فصل ۹. برجسته‌سازی و تداعی مجدد
۲۵۲	برجسته‌سازی در نوشتار طبیعت‌نو

فصل ۱۰. نتیجه گیری

نظریه

انتقادات

جمع بندی

واژه نامه

پیوست

۲۶۵

۲۶۶

۲۷۱

۲۷۵

۲۸۱

۲۹۳

پیشگفتار

زبان‌شناسی زیست‌محیطی یکی از جدیدترین موضوعات بین‌رشته‌ای در شاخه زبان‌شناسی کاربردی و محیط زیست است که به صورت شبکه‌ای مرتبط و در هم تنیده ذیل جهت زندگی سالم‌تر انسان‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، که ضرورت دارد که همه مردم و مسئولین به خصوص متخصصان زبان‌شناسی، علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی و محیط زیست به آن بپردازند، تا اهمیت دادن به آن به یک فرهنگ تبدیل شود. گوشه ای از تنیدگی شبکه عبارت است از:

- مسایل محیط زیست از مسائل اصلی و مهم اجتماعی- انسانی هر جامعه‌ای است.
- زبان با نگاه نقش‌گرایی نوعی عمل و رفتار اجتماعی است.
- زبان‌شناسی کاربردی به مطالعه ارائه راه‌حل مسائل و مشکلات جامعه از نوع زبان می‌پردازد.
- زبان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی زبان به نوع و کاربرد زبان با توجه به متغیرهای سبک زندگی، سبک زبان، طبقه اجتماعی، جنسیت، اقتصاد، تحصیلات، فرهنگ، قومیت، هویت و ... می‌پردازد.
- از طریق استخدام راهکار انگاره‌های مفهومی و استعاره شناختی زبان‌شناسی شناختی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی می‌توان سبب شکل‌گیری، ترویج و بسط نگاه انتقادی و ارتقاء جامعه و مردم گردید که نتیجه آن سبب تغییر در سوء نگرش و رفتار انسان‌ها نسبت به تخریب محیط زیست می‌گردد.

زبان‌شناسی کاربردی در چارچوب نظریه شناختی زبان، در حوزه معناشناسی شناختی و تحلیل گفتمان می‌تواند با مفهوم‌سازی با ساخت استعاره‌های زبانی آن دسته از مفاهیم و آموزه‌هایی را که مرتبط با حفظ محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن است را جهت ارتقاء آگاهی انتقادی و حساسیت مسئولین و مردم جهان در قالب گزاره‌های زبانی صورت‌بندی نماید و از طریق عناصر و کنشگران اجتماعی دخیل در گفتمان قدرت، آموزش و پرورش، و رسانه‌ها، فرهنگ‌سازی نماید. این مهم تحقق نمی‌یابد مگر در قالب مطالعه و تحقیق و انتشار نتایج آن در سطح جامعه که ترجمه چنین آثاری نیز در همین مهم می‌گنجد. به نمونه‌هایی از این استعاره‌های مفهومی زبان توجه فرمایید:

- «محیط زیست سالم یعنی زندگی سالم»
- «طبیعت موجود زنده‌ای است که سلامت و حفظ آن سلامت انسان را به دنبال دارد»
- «جنگل‌ها شش‌های زمین هستند»

این گزاره‌ها نمونه‌هایی از استعاره‌های مفهومی هستند که در صورت و معنای زبان ظاهر شده‌اند. از یک طرف استعاره‌های زبانی ریشه در تجربیات زندگی روزمره مردم دارند و از طرف دیگر زبان با گفتمان و ایدئولوژی و جهان‌بینی رابطه دوسویه سازنده و برساخته دارد، یعنی زبان گفتمان و ایدئولوژی و جهان‌بینی را می‌سازد و در مقابل جهان‌بینی، ایدئولوژی و گفتمان در ساحت زبان نمود واقعی می‌یابند. پس می‌توان با بکارگیری استعاره‌های زبانی بر نوع نگرش و رفتار مردم تأثیر گذاشت.

کتاب حاضر، اثر آرن استیبی، یکی از جدیدترین آثار در زبان‌شناسی زیست‌محیطی است که به لحاظ موضوع و محتوا با نگرش اینجانب و همکاران محترم مترجم که در ترجمه آن همت نموده‌اند به نوعی همسویی دارد که در سرتاسر کتاب نقش انگاره‌ها یا طرحواره‌ها و قالب‌های ذهنی و دانش زمینه را در ساخت و برساخته شدن نگرش، فرهنگ، زبان، و در نتیجه در قضاوت و رفتار مسئولین و مردم نسبت به اهمیت و حفظ محیط زیست، نشان می‌دهد. دانش‌آموختگان رشته زبان‌شناسی در این حوزه می‌توانند در کنار متخصصان محیط زیست با بهره‌گیری از دانش تخصصی خود مدیران و مشاوران علمی و عملی موفقی در تشخیص و حل مشکلات و مسائل زیست‌محیطی در سطح جامعه ایران و جهان باشند.

با سپاس

دکتر فردوس آقا گل‌زاده

عضو گروه زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

اردیبهشت هزار و سیصد و نود و پنج

فصل ۱
مقدمه

فصل ۱

مقدمه

ترجمه: امیر قربان‌پور

داستان‌ها مخزن اسرارآمیز ارزش‌ها هستند؛ کافی است داستان‌هایی را که افراد یا ملت‌ها با آنها زندگی می‌کنند تغییر دهید، و آنگاه خود افراد و ملت‌ها را تغییر داده‌اید.
(بن اوکری^۱، ۱۹۹۶: ۲۱)

داستان‌ها قدرت آفرینش عظیمی دارند. از طریق آنها، ما فعالیت‌های انسانی را سازمان می‌دهیم، نظر و توجه را متمرکز می‌سازیم، نقش‌ها را تعریف می‌کنیم، و آنچه مهم، و یا حتی آنچه واقعی است، را مشخص می‌سازیم.
(چارلز آیزنستاین^۲، ۲۰۱۱: ۲)

در اولین برخورد، اصطلاح زبان‌شناسی زیست‌محیطی^۳ اغلب با ابهام و سردرگمی همراه است. این ترکیب درباره محیط زیست و درباره زبان است؛ اما این دو واژه در نگاه اول حوزه‌های کاملاً مجزایی از زندگی به نظر می‌رسند. یک تعریف اجمالی می‌تواند این باشد که زبان چگونگی تفکر ما درباره جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زبان تبلیغات می‌تواند ما را به خواستن محصولات غیرضروری و مخرب محیط زیست ترغیب نماید، در حالی که نوشتارهایی در ستایش طبیعت می‌تواند الهام‌بخش احترام برای جهان طبیعت باشد. طرز تفکر ما بر چگونگی عملکرد ما تأثیر می‌گذارد، از اینرو زبان می‌تواند ما را به از بین بردن و یا حفاظت نمودن از اکوسیستم‌هایی که زندگی به آنها وابسته است، تشویق کند. بنابراین، زبان‌شناسی زیست‌محیطی عبارت است از نقد اشکالی از زبان که به تخریب محیط زیست دامن می‌زنند، و کمک به جستجوی اشکال جدیدی از زبان که افراد را به حفاظت از جهان طبیعت ترغیب می‌کنند. البته این تعریفی سطحی از زبان‌شناسی زیست‌محیطی است، اما حداقل ارتباطی در ذهن افراد میان دو حوزه زبان و محیط زیست که چندان هم از یکدیگر جدا نیستند ایجاد می‌نماید.

با این حال، زبان‌شناسی زیست‌محیطی بسیار فراتر از این است. نخست اینکه، رویکردهای مختلفی با اهداف و روش‌هایی بسیار متفاوت در این زمینه وجود دارند. دوم اینکه، تحلیل‌ها بسیار عمیق‌تر از تفسیر و اظهار نظر صرف بر متون منفردی مانند تبلیغات و کتاب‌های مرتبط با طبیعت، می‌باشد. زبان‌شناسی زیست‌محیطی می‌تواند الگوهای کلی‌تری از زبان را که بر چگونگی تفکر و رفتار انسان‌ها در قبال جهان

¹ Ben Okri

² Charles Eisenstein

³ Ecolinguistics

پیرامون تأثیر می‌گذارند، آشکار نماید؛ زبان‌شناسی زیست‌محیطی می‌تواند داستان‌هایی را که با آنها زندگی می‌کنیم، یعنی الگوهای ذهنی که بر رفتار تأثیر می‌گذارند و در عمق چالش‌های زیست‌محیطی که با آن مواجه هستیم قرار می‌گیرند، مورد بررسی قرار دهد. داستان‌های کلیدی خاصی وجود دارند درباره رشد اقتصادی و پیشرفت فناوری، درباره طبیعت به عنوان شیئی که مورد استفاده و تصرف قرار می‌گیرد، درباره سود و موفقیت، که همگی پیامدهای عمیقی بر چگونگی رفتار ما با نظام‌هایی که زندگی به آنها وابسته است، خواهند داشت. همانطور که توماس بری^۱ (۱۹۸۸: ۱۲۳) عنوان می‌کند:

ما در حال حاضر دچار مشکل هستیم چرا که یک داستان خوب نداریم. ما در میان داستان‌ها هستیم. داستان‌های قدیمی، مانند تفسیر اینکه جهان چگونه بوجود آمد و ما در کجای آن قرار می‌گیریم، دیگر موثر نیستند. با این همه، ما هنوز داستان‌های تازه را نیاموخته‌ایم. ما هنوز هم این داستان‌های تازه را نیاموخته‌ایم، با وجود اینکه شرایط کنونی جهان این موضوع را حتی مهم‌تر از زمانی که بری این جمله را بیان کرده است، می‌سازد.

پیوند میان محیط زیست و زبان بر این اساس است که چگونگی رفتار انسان‌ها با یکدیگر و با جهان طبیعت تحت تأثیر افکار، مفاهیم، ایده‌ها، ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌ها می‌باشد، و این‌ها همه بوسیله زبان شکل می‌گیرند. از طریق زبان است که نظام‌های اقتصادی بنا نهاده می‌شوند، و هنگامی که دیده شود این نظام‌ها منجر به ضرر و زیان و تخریب محیط زیست می‌شوند، از طریق زبان است که در برابر آنها ایستادگی شده و اشکال جدیدتری از اقتصاد به وجود می‌آیند. از طریق زبان است که هویت‌های مصرف‌گرا ساخته شده و زندگی‌ها به سمت انباشت رو می‌آورند، و از طریق زبان است که در برابر مصرف‌گرایی ایستادگی شده و افراد به این تشویق می‌شوند که «بیشتر باشند، نه اینکه بیشتر داشته باشند». از طریق زبان است که به لحاظ ذهنی جهان طبیعت به اشیاء یا منابعی صرف برای تصرف تقلیل می‌یابد، و از طریق زبان است که افراد ترغیب می‌شوند که به نظام‌های حمایت‌کننده زندگی احترام گذاشته و از آنها مراقبت کنند. در انتقاد از اثرات مخرب اجتماعی و زیست‌محیطی ساختارهای مالی، براردی^۲ (۲۰۱۲: ۱۵۷) می‌گوید:

تنها یک کنش زبانی می‌تواند توانایی مشاهده و ایجاد یک شرایط انسانی جدید را برای ما فراهم آورد؛ شرایطی که در حال حاضر در آن تنها توحش و خشونت دیده می‌شود. تنها یک کنش زبانی که از خودکارگونگی فنی نظام سرمایه‌داری در گریز است، ظهور شکل جدیدی از زندگی را ممکن خواهد ساخت.

زبان‌شناسی ابزارهایی را فراهم می‌آورد برای تجزیه و تحلیل گفتمان‌هایی که در زندگی روزمره ما را احاطه کرده و نوع جامعه‌ای که به آن تعلق داریم را شکل می‌دهند. این ابزارها می‌توانند به نمایان شدن داستان‌های

^۱ Thomas Berry

^۲ Berardi

پنهانی که به طور غیرمستقیم در پس این گفتمان‌ها قرار دارند، کمک کنند. این داستان‌ها هنگامی که آشکار شوند می‌توانند از یک منظر زیست‌محیطی مورد نقد و بررسی قرار گیرند: آیا آنها مردم را به از بین بردن، و یا حفاظت کردن از، اکوسیستم‌هایی که زندگی به آنها وابسته است ترغیب می‌کنند؟ اگر آنها مخرب باشند پس باید در برابر آنها ایستادگی شود، و اگر مفید باشند باید هر چه بیشتر ترویج شوند و گسترش یابند.

هدف کتاب حاضر این است که طیف وسیعی از نظریه‌ها را از زبان‌شناسی و علوم شناختی در یک چارچوب زبان‌شناختی قرار دهد تا داستان‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم را آشکار سازد؛ یک چارچوب زیست‌محیطی را که این داستان‌ها بر پایه آن قضاوت شوند ایجاد نماید؛ و اینکه این چارچوب‌های زبان‌شناختی و زیست‌محیطی را در عمل، در تجزیه و تحلیل طیف گسترده‌ای از متون از حوزه‌های مختلف زندگی، بکار گیرد.

این کتاب بر یک فرض اساسی استوار است؛ و آن اینکه زبان‌شناسی زیست‌محیطی می‌تواند نقش باارزشی در نمایان ساختن و مورد تردید و پرسش قرار دادن داستان‌هایی که ما با آنها زندگی می‌کنیم داشته، و در جستجوی داستان‌هایی جدید به ما کمک کند. این امر تنها زمانی ممکن است که افراد زیادی با معلومات و پس‌زمینه‌های فکری گوناگون این تحقیقات زبان‌شناختی زیست‌محیطی را، از پروژه‌های تحقیقاتی کلان دانشگاهی گرفته تا اکتشافات فردی، بر عهده گیرند. بنابراین، این کتاب برای زبان‌شناسان، جغرافی‌دانان، زیست‌شناسان، و پژوهشگران دانشگاهی از حوزه‌های مطالعاتی گوناگون، می‌باشد؛ و برای دانشجویان در تمام سطوح، معلمان و استادان، عاملان توسعه پایدار در شرکت‌ها و سازمان‌ها، کسانی که در سازمان‌های محیط زیست فعالیت می‌کنند، و کسانی که در اکتشافاتی شخصی‌تر در ارتباط با محیط خود و نقش خود در درون جامعه‌ای ناپایدار درگیر می‌باشند، مناسب است. این کتاب برای تمام کسانی است که مواجه با پرسش‌هایی در ارتباط با جامعه صنعتی پیرامون خود می‌باشند؛ هر کسی که این پرسش برایش مطرح باشد که چرا چنین جامعه‌ای ناپایدار بوده و چگونه می‌توان آن را تغییر داد.

داستان‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم

همانطور که شواهدی بر عمق مشکلات زیست‌محیطی که در قرن بیست و یکم با آن مواجه هستیم پدیدار شده، و میزان پاسخ‌های مورد نیاز نیز آشکارتر می‌شود، نیاز فزاینده‌ای احساس می‌شود مبنی بر اینکه از تلاش برای پرداختن به موارد منفرد با راه‌حل‌هایی فنی، فراتر رفته و در عوض علل اجتماعی و فرهنگی عمیق‌تر مشکلاتی که با آن روبرو هستیم، را مورد بررسی قرار دهیم. نابرابری فزاینده، تغییرات اقلیمی، از بین رفتن تنوع زیستی، بیگانگی نسبت به طبیعت، و از بین رفتن اجتماعات و گروه‌های مردمی، همگی داستان‌های بنیادینی که جوامع صنعتی بر پایه آنها هستند را مورد تردید و پرسش قرار می‌دهند.

دیوید کورتن^۱ (۲۰۰۶: ۲۴۸) چهار داستان موجود در دل تمدن امپریالیستی غرب را که او ادعا می‌کند دارای پیامدهای عمیق زیست‌محیطی هستند، توصیف می‌کند. داستان «رونق و رفاه» که پرستش تملک مادی و پول را ترویج می‌کند، داستان «کتاب مقدس» که بر زندگی پس از مرگ بیش از جهان پیرامون ما تمرکز دارد، داستان «امنیت» که نیروهای نظامی و پلیس را برای محافظت از روابط سلطه شکل می‌دهد، و داستان «مفهوم سکولار» که زندگی را به ماده و اجزاء مکانیکی تشکیل دهنده آن تنزل می‌دهد. او اضافه می‌کند که این داستان‌ها بی‌عدالتی را تداوم می‌بخشند و منجر به بیگانگی از زندگی و تخریب محیط زیست می‌گردند. چت بوورز^۲ (۲۰۱۴: ۲۷) توضیح می‌دهد که چگونه استعاره‌های ریشه‌ای «فردگرایی، پیشرفت، اقتصادگرایی و انسان‌محوری در فرایند قدرتمندی از ایجاد مشروعیت ذهنی و اخلاقی با هم ترکیب شده‌اند». او اینگونه ادامه می‌دهد که داستان‌هایی از این قبیل «مفروضات عمیقی از یک فرهنگ زیست‌محیطی ناپایدار را پیش می‌برند». از نظر پاول کینگز نورث^۳ و دوگالد هاین^۴ (۲۰۰۹) خطرناک‌ترین داستانی که ما با آن زندگی می‌کنیم «داستان محوریت انسان» است، به عنوان «گونه‌ای که مقدر شده فرمانروای هر آنچه که اکتشاف می‌کند باشد، و محصور محدودیت‌هایی که بر موجودات پایین‌تر از خود حاکم است نیز نمی‌باشد».

با این وجود، این موارد داستان‌هایی به معنای معمول حکایات و روایات نیستند. این‌ها داستان‌هایی نیستند که در مان‌ها و کتاب‌های داستان گفته شوند، برای کودکان به هنگام خواب خوانده شوند، و یا به دور یک آتش و یا در سخنرانی‌ها به صورت حکایاتی نقل شوند. در عوض، آنها در پس گفتمان‌هایی که ما را احاطه کرده‌اند وجود دارند؛ گزارش‌های خبری که خبر بدی را در مورد افت بازار کریسمس، و یا خبر خوبی مبنی بر بالا رفتن سود شرکت‌های هواپیمایی را توصیف می‌کنند؛ و یا آگهی‌های تبلیغاتی که به ما وعده می‌دهند که اگر محصولات غیرضروری که آنها تبلیغ می‌کنند را خریداری کنیم، انسان‌های بهتر و خوشبخت‌تری خواهیم بود. در پس روش‌های معمول نوشتن و سخن گفتن در جوامع صنعتی، داستان‌هایی وجود دارند درباره رشد اقتصادی نامحدود، نه تنها به عنوان امری ممکن، بلکه به عنوان هدف اصلی مورد نظر جامعه؛ داستان‌هایی از انباشت محصولات غیرضروری به عنوان راهی به سوی بهسازی خود؛ داستان‌هایی از پیشرفت و موفقیتی که تنها به لحاظ سود و نوآوری‌های فنی تعریف می‌گردد؛ و داستان‌هایی از طبیعت به عنوان چیزی مجزا از انسان‌ها، و ذخیره‌ای صرف از منابع که فقط مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

به عنوان نمونه‌ای از اینکه چگونه یک داستان می‌تواند به طور غیرمستقیم و در لابه‌لای خطوط یک متن یا گفتمان خاص بازگو شود، مستند سال ۲۰۱۳ شبکه بی.بی.سی^۵ با عنوان «چه چیز ما را انسان

¹ David Korten

² Chet Bowers

³ Paul Kingsnorth

⁴ Dougald Hine

⁵ BBC

می‌سازد؟^۱ را در نظر می‌گیریم، که در وبسایت این شبکه این چنین خلاصه می‌شود:

- پروفیسور آلیس رابرتز^۲ دقیقاً این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد که چه چیزی ما را از قلمرو حیوانات متفاوت می‌سازد. چه چیزی است که واقعا ما را انسان می‌سازد؟ (ام.ال. ۱۲؛ برای اطلاع از مراجع داده‌های نمونه به پیوست رجوع نمایید)

در پس این جمله‌بندی دو داستان نهفته است. نخست اینکه انسان‌ها خارج از قلمرو حیوانات زندگی می‌کنند، یا به عبارت دیگر، انسان‌ها جزء حیوانات نیستند. دوم اینکه، آنچه که ما را انسان می‌سازد در تفاوت‌های ما از سایر حیوانات نهفته است و نه در اشتراکات ما با آنها. در این مستند، پروفیسور رابرتز خودش از داستان اول استفاده نمی‌کند، اما داستان دوم را خود او بکار می‌برد:

- چه چیزی در مورد بدن، ژن‌ها، و مغز ما وجود دارد که ما را متفاوت می‌سازد؟ چه چیزی است که واقعا ما را انسان می‌سازد؟
- مایکل آزمایشی را طراحی کرده است که او معتقد است ویژگی خاصی از رفتار ما را آشکار می‌سازد که ما را از شامپانزه‌ها متمایز ساخته و به عنوان یک گونه مجزا معرفی می‌کند، و واقعا ما را انسان می‌سازد (ام.ال. ۱۳؛ بخش‌هایی رونویسی شده از برنامه «چه چیز ما را انسان می‌سازد؟»).

هیچ یک از این گزیده‌ها به طور مستقیم بیان نمی‌کند که «در تفاوت‌های ما از دیگر حیوانات است که می‌توانیم کشف کنیم چه چیز ما را انسان می‌سازد»؛ در عوض، این مفهوم به عنوان داستانی پس‌زمینه‌ای مفروض است که به لحاظ معنایی دو پرسش مطرح شده در متن اول در بالا، و سه جمله هم‌پایه در متن دوم، را به هم پیوند می‌دهد. این داستان یک داستان فراگیر است که بطور غیرمستقیم توسط افراد بسیاری در بافت‌های مختلف نقل می‌شود. به عنوان مثال، نوام چامسکی^۳ (۲۰۰۶: ۸۸) می‌نویسد:

هنگامی که ما زبان انسان را مورد مطالعه قرار می‌دهیم، در حال نزدیک شدن به چیزی هستیم که برخی ممکن است آن را «ذات بشری^۴» بخوانند؛ ویژگی‌های متمایزکننده‌ای از ذهن که، تا آنجایی که ما می‌دانیم، مختص انسان‌ها می‌باشد.

در این نقل قول از بدل^۵ (معادل فرض کردن دو مفهوم با بلافاصله قرار دادن آنها یکی پس از دیگری) استفاده شده است تا ماهیت انسان بودن با منحصر به فرد بودن انسان، یکسان در نظر گرفته شود. همچنین، حرف تعریف معین *the* در عبارت *the human essence* [ذات بشری] دیگر جایی برای این باقی نمی‌گذارد که ویژگی‌های مشترکی که ما با سایر حیوانات داریم نیز به عنوان بخشی از ذات ما محسوب شوند.

¹ What makes us human?

² Alice Roberts

³ Noam Chomsky

⁴ Human essence

⁵ Apposition

با این همه، این تصور که انسانیت ما در منحصر به فرد بودن و متمایز بودن ما از سایر حیوانات نهفته است، تنها یک داستان است، و روایت داستان‌های دیگری نیز امکان‌پذیر می‌باشد. خطر تمرکز بر روی تفاوت‌ها این است که چنین داستانی می‌تواند برخی از ویژگی‌های مهمی که میان انسان‌ها و سایر حیوانات مشترک است، را پنهان سازد؛ ویژگی‌هایی مانند داشتن احساسات، تجسم، پیوند اجتماعی با دیگران، و از همه مهم‌تر وابسته بودن به محیط و گونه‌های دیگر برای تداوم بقای خود. پلاموود^۱ (۲۰۰۷) به شدت این داستان را مورد انتقاد قرار می‌دهد:

می‌توان گفت ویژگی بارزی از فرهنگ غرب، و شاید نشانه اصلی شکست آن در رابطه با مسائل زیست‌محیطی، این تصور است که نوع انسان اساساً متفاوت و مجزا از سایر جهان طبیعت و دیگر حیوانات می‌باشد. این ایده که گاهی «استثنائگرایی انسانی»^۲ خوانده می‌شود، این اجازه را به ما داده است که از طبیعت و افراد به شکلی بی‌رحمانه‌تر (و برخی ممکن است بگویند موثرتر) از فرهنگ‌های دیگر بهره‌برداری کنیم، و روش‌های پر قدرت و مخرب زندگی ما اکنون در این سیاره غالب است.

در جستجوی راه‌حلی برای چالش‌های زیست‌محیطی که با آن مواجه هستیم، ممکن است نیاز باشد برخی از داستان‌های بنیادی را که زیربنای فرهنگ ما را شکل می‌دهند، مورد بررسی و بازبینی قرار دهیم؛ از جمله داستان‌هایی در رابطه با اینکه ما انسان‌ها دقیقاً چه هستیم.

تمرکز این کتاب بر داستان‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم راهی برای گرد هم آوردن تنوع رویکردها به تحلیل‌های زبان‌شناختی زیست‌محیطی در یک چارچوب واحد می‌باشد. هنگامی که زبان‌شناسان زیست‌محیطی ایدئولوژی‌ها، استعاره‌ها، قالب‌ها، و انواع دیگری از پدیده‌های شناختی و زبان‌شناختی را بررسی می‌کنند، آنچه انجام می‌دهند کشف و آشکار نمودن داستان‌هایی است که زندگی افراد و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم را شکل می‌دهد.

در مفهوم سنتی آن، واژه «داستان» به روایتی اشاره دارد که دارای ابتدا، میانه و انتهای روشنی می‌باشد، و در طول زمان رخ می‌دهد. هنگامی که خوانندگان با داستانی به این معنای سنتی آن مواجه می‌شوند، می‌توانند آن را از روی ساختار و بافت آن به عنوان یک داستان تشخیص دهند، و بنابراین، آن را فقط به عنوان یک منظر یا تفسیر ممکن از جهان اطراف ما تلقی کنند.

اما داستان‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم متفاوت هستند. ما در معرض چنین داستان‌هایی قرار داریم بدون اینکه آگاهانه آنها را انتخاب کرده باشیم و یا اینکه لزوماً آگاهی داشته باشیم که آنها فقط داستان هستند. این داستان‌ها به طور غیرمستقیم در میان گفتمان‌هایی که در زندگی روزمره ما را احاطه کرده‌اند، پدیدار می‌شوند؛ در گزارش‌های خبری، تبلیغات، گفتگو با دوستان و آشنایان، گزارش‌های پیش‌بینی وضع

^۱ Plumwood

^۲ Human Exceptionalism

هوا، دفترچه‌های راهنما، و یا کتاب‌های درسی. این داستان‌ها در بافت‌های آموزشی، سیاسی، حرفه‌ای، پزشکی، حقوقی و دیگر بافت‌های نهادی، بدون اینکه خود را به عنوان داستان نشان دهند، ظاهر می‌شوند. در اظهار نظری در مورد داستان محوریت انسان، کینگز نورث و هاین (۲۰۰۹) بیان می‌کنند که «آنچه این داستان را بسیار خطرناک می‌سازد این است که در اکثر موارد ما فراموش کرده‌ایم که این یک داستان است». به همین نحو، دیوید لوی^۱ (۲۰۱۰: ۵) توصیف می‌کند که چگونه «ناآگاه از این که این داستان‌ها فقط داستان هستند، ما آنها را به عنوان واقعیت جهان تجربه می‌کنیم». میسی^۲ و جانستون^۳ (۲۰۱۲: ۱۵) داستان «تجارت طبق معمول» را توصیف می‌کنند که رشد اقتصادی و توسعه فناوری را راهی رو به جلو برای جامعه می‌بیند، و اظهار می‌دارند که «وقتی شما در میان این داستان زندگی می‌کنید، آسان می‌شود به آن اینگونه فکر کرد که گویی همه چیز همانطور است که باید باشد». داستان‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم عمیقاً در ذهن افراد در سراسر یک جامعه نفوذ کرده، و تنها به طور غیرمستقیم در میان گفتمان‌هایی که در آن جامعه در جریان هستند پدیدار می‌شوند. در نتیجه، آنها بلافاصله قابل تشخیص به عنوان داستان نیستند، و می‌بایست تحت بررسی و تحلیل انتقادی قرار گرفته و اگر بر بی‌عدالتی و تخریب محیط زیست دلالت داشته باشند، در برابر آنها مقاومت شود.

میچلی^۴ (۲۰۱۱: ۱) داستان‌هایی در این مفهوم را «افسانه‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم»^۵ می‌خواند. منظور او از افسانه‌ها^۶ الگوهای تخیلی یا شبکه‌هایی از نمادهای پر قدرت است که گونه‌های خاصی از تفسیر جهان را القا می‌کنند. در واقع، کینگز نورث و هاین (۲۰۰۹) اصطلاحات داستان و افسانه را معادل با یکدیگر بکار می‌برند: «ما قصد داریم داستان‌هایی که زیربنای تمدن ما را شکل می‌دهند به چالش بکشیم؛ افسانه پیشرفت، افسانه محوریت انسان، و افسانه جدایی ما از طبیعت». رابرتسن^۷ (۲۰۱۴: ۵۴) اصطلاح الگو^۸ را در مفهومی مشابه به منظور اشاره به چارچوبی بنیادی برای ادراک جهان استفاده می‌کند؛ «مجموعه‌ای منسجم از مفروضات و مفاهیمی که طرز دیدن واقعیت را تعریف می‌کند». رابرتسن به طور خاص به الگوی «رشد اقتصادی» توجه دارد. او توضیح می‌دهد که چگونه «رشد به عنوان الگوی اقتصادی کانونی در طول چند صد سال در حال شکل‌گیری و توسعه بوده، و از قرن گذشته به طور پایداری تثبیت شده است». براردی (۲۰۱۲: ۱۳۱) با استفاده از اصطلاح هم‌سرایی^۹ به معنای تکرار حرکات، اشاره‌ها و نشانه‌هایی که بر جامعه نفوذ کرده و به آن نظم می‌دهند، بر ماهیت آهنگین الگوها تاکید دارد^{۱۰}؛ برای مثال، «هم‌سرایی در فعالیت کارخانه‌ها، هم‌سرایی در حقوق و دستمزد، هم‌سرایی در خط تولید». او عنوان

¹ David Loy

² Macy

³ Johnstone

⁴ Midgley

⁵ Myths we live by

⁶ Myths

⁷ Robertson

⁸ Paradigm

⁹ Refrain

^{۱۰} واژه انگلیسی refrain در زبان موسیقی به معنی قسمت

اصلی یک آهنگ است که در طول آهنگ چندین بار تکرار

می‌شود.

می‌کند که «ما در حال حاضر به هم‌سرایی‌هایی نیازمندیم که وجود فردی را از بازی‌های اجتماعی رقابت و بهره‌وری، رها می‌سازد» (۲۰۱۲: ۱۴۶). مارتوسویچ^۱ و همکاران (۲۰۱۱: ۶۶) از استعاره‌های ریشه‌ای^۲ سخن می‌گویند که ادراکی از جهان مبتنی بر تصور «همانطور است که باید باشد» شکل می‌دهند؛ مجموعه‌ای عمیق و ریشه‌ای از تصوراتی که نوع نگاه، ارتباط و رفتار انسان در جهان را شکل می‌دهند.

از این منظر، عبارت داستان‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم^۳ به عنوان یک اصطلاح فنی در اینجا برای رساندن مفهومی مشابه آنچه این نویسندگان از آن به عنوان افسانه، الگو، هم‌سرایی و استعاره‌های ریشه‌ای یاد می‌کنند، استفاده می‌شود. به طور خاص، اصطلاحات داستان و داستان‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم برای اهداف این کتاب به صورت زیر تعریف می‌شوند:

داستان‌ها ساختارهای شناختی در ذهن افراد هستند که چگونگی درک آنها از جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

داستان‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم داستان‌هایی در اذهان افراد متعدد در سراسر یک فرهنگ یا جامعه هستند.

ساختارهای شناختی الگوهای ذهنی هستند که در ذهن افراد وجود دارند؛ برای مثال، الگویی از جهان که در آن انسان‌ها از سایر حیوانات جدا و برتر از آنها می‌باشند، و یا الگویی که در آن انسان‌ها توسط یک محیط احاطه شده‌اند. اما مورد توجه خاص الگوهای ذهنی هستند که به طور گسترده‌ای در درون یک فرهنگ مشترک می‌باشند، زیرا این الگوها به احتمال قوی تأثیر زیادی بر چگونگی رفتار آن فرهنگ در قبال اکوسیستم‌هایی که حمایت‌کننده زندگی می‌باشند، خواهند داشت. از آنجایی که این الگوها در ذهن شکل می‌گیرند، نمی‌توان به طور مستقیم آنها را بررسی کرد، اما می‌توان از طریق زبانی که افراد بکار می‌گیرند به سرنخ‌هایی از وجود و ساختار آنها پی برد. به منظور سادگی، در تعریف‌هایی که در اینجا آمده‌اند فعل «صحبت کردن» بکار گرفته شده است، اما این داستان‌ها نه تنها به صورت گفتار، بلکه از طریق نوشتار، اشعار و موسیقی، طراحی و نقاشی، عکس، فیلم، طرز لباس پوشیدن و روش‌های بسیار دیگری نیز خود را آشکار می‌سازند. همه این موارد مهم و جالب توجه هستند، اگرچه این کتاب به طور خاص بر زبان تمرکز دارد.

نکته مهم این است که داستان‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم طرز رفتار و عملکرد ما در جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ اگر به طبیعت به عنوان یک منبع نگرسته شود، آنگاه احتمال بیشتری برای بهره‌برداری از آن خواهد بود؛ و یا اگر رشد اقتصادی به عنوان هدف اصلی در سیاست‌ها تلقی شود، آنگاه سلامت و تندرستی مردم، و اکوسیستم‌هایی که حمایت‌کننده زندگی هستند، ممکن است نادیده گرفته شوند. نقش زبان‌شناسی زیست‌محیطی که در این کتاب مورد نظر است تجزیه و تحلیل متون به منظور

¹ Martusewicz

² Root metaphors

³ Stories we live by

آشکار ساختن داستان‌هایی است که در پس آنها نهفته می‌باشد، و سپس بررسی دقیق اینکه آنها چگونه ما را به عمل وا می‌دارند. اگر آنها احترام و مراقبت از اکوسیستم‌هایی که حمایت‌کننده زندگی هستند را القا می‌کنند، در این حالت باید ترویج و توسعه یابند؛ و اگر تخریب محیط زیست را ترغیب می‌کنند، پس باید در برابر آنها مقاومت شود.

«محیط زیست» در زبان‌شناسی زیست‌محیطی

داستان تمایز انسان همواره در علوم انسانی از اهمیت و محوریت خاص برخوردار بوده است. این حوزه‌های علمی و دانشگاهی به طور سنتی عقلانیت، زبان، درک تاریخ، دین، فرهنگ و ادبیات را به عنوان جنبه‌هایی که ما را از دیگر حیوانات متمایز ساخته، و به طور ضمنی ما را بالاتر از آنها قرار می‌دهد، مورد مطالعه قرار داده‌اند. اور^۱ (۱۹۹۲: ۱۴۵) تا جایی پیش می‌رود که معتقد است «در طول پانصد سال گذشته علوم ما، علوم اجتماعی و علوم انسانی به طور یکسان، به گسترش و تثبیت سلطه انسان بر طبیعت مشغول بوده‌اند». با این وجود، همانطور که سطح آگاهی از قرار گرفتن و احاطه شدن انسان‌ها و جوامع انسانی در درون محیط زیست به سطحی از نگرانی مبرم و فوری افزایش یافته است، یک تغییر نگرش زیست‌محیطی در علوم انسانی و علوم اجتماعی شکل گرفته است. دیگر به این حوزه‌های مطالعاتی (خواه مطالعه ذهن، انسان، جامعه، فرهنگ یا دین) در انزوا نگریسته نمی‌شود، بلکه این حوزه‌ها به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از جهان هستی فیزیکی و بزرگ‌تر، محسوب می‌شوند. این تغییر نگرش به این امر کمک کرده است که این حوزه‌ها در مطالعات خود دقیق‌تر شوند، زیرا بدون شک ذهن انسان، فرهنگ‌ها و جوامع توسط جهان طبیعی که آنها از آن بوجود آمده و بخشی از آن هستند، شکل می‌گیرند. اما بیش از آن، این تغییر نگرش کمک کرده است که به علوم انسانی و علوم اجتماعی نقشی در پرداختن به برخی از چالش‌های زیست‌محیطی فراگیر که بشریت در قرن بیست و یکم با آن مواجه است، تعلق گیرد؛ چالش‌هایی مانند از بین رفتن تنوع زیستی، تامین غذایی، تغییرات اقلیمی، کمبود منابع آبی، تامین انرژی، آلودگی شیمیایی، بیگانگی از طبیعت، و پرسش‌هایی در مورد عدالت اجتماعی که در رابطه با این مسائل مطرح می‌شوند.

این تغییر نگرش زیست‌محیطی شاهد ظهور حوزه‌هایی مانند نقد زیست‌محیطی^۲ (گارد^۳، ۲۰۱۴)، شعر زیست‌محیطی^۴ (نیکر باکر^۵، ۲۰۱۲)، فمینیسم زیست‌محیطی^۶ (آدامز^۷ و گروئن^۸، ۲۰۱۴)، روان‌شناسی زیست‌محیطی^۹ (فیشر^{۱۰}، ۲۰۱۳)، جامعه‌شناسی زیست‌محیطی^{۱۱} (استیونز^{۱۲}، ۲۰۱۲)،

¹ Orr

² Ecocriticism

³ Garrard

⁴ Ecopoetics

⁵ Knickerbocker

⁶ Ecofeminism

⁷ Adams

⁸ Gruen

⁹ Ecopsychology

¹⁰ Fisher

¹¹ Ecosociology

¹² Stevens